

شمول پاره ای از وجوه اعجاز در جمیع آیات قرآن

سید داریوش رحیمی

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور اردل

چکیده

نوشتار حاضر گذری بر مسائل مطرح در بحث اعجاز علمی قرآن کریم دارد. هدف نگارنده از این نوشتار تبیین مفهوم اعجاز قرآن و بیان برخی از مصادیق آن با مراجعه به آیات قرآن کریم است. بر اساس یافته های این نوشتار، اعجاز علمی قرآن به معنای بیانات علمی قرآن و نیز اخبارهای غیبی قرآن است که تا هنگام نزول آیات، کسی از آنها خبردار نبوده و در کتاب های آسمانی پیشین نیز از آنها خبر داده نشده است. اگر چه تمام علوم بشری در قرآن وجود ندارد، اما مطالب علمی متقنی به چشم می خورد که می توان آنها را همان اعجاز علمی قرآن دانست که از جمله آنها جاذبه زمین است که سال ها پیش از نیوتن از سوی قرآن کریم مطرح شده است. در این مقاله این نظریه بیان و تأیید شده است که برخی از وجوه اعجاز قرآن کریم نظیر اعجاز بیانی به پاره ای از آیات آن اختصاص ندارد؛ بلکه همه آنها را دربرمی گیرد. آن دارای دو فصل با این مباحث است: فصل اول، درآمدی بر شناخت اعجاز قرآن، اقسام اعجاز، چگونگی اتمام حجت قرآن بر غیرعرب، دامنه شعاع اعجاز در قرآن، وجه حقیقی اعجاز قرآن جمع همه ویژگیهای آن است؛ فصل دوم، تحدی های قرآن، وجوه فراگیر اعجاز در سراسر قرآن کریم، مدعیان همانندآوری، وجوه وابسته به اعجاز بیانی، قرآن و پدیده های جهان آفرینش.

واژه های کلیدی: اعجاز، حجت، قرآن، آیات، کتب آسمانی، آفرینش.

۱-۱- مقدمه

قرآن کریم، پناهگاهی آسمانی و مأمنی آرام بخش و جاودانی است که پناه جویانش را از هر بیم و گزند در امان می‌دارد. در کلام پیشوایان معصوم ما - به خصوص امیرمؤمنان حضرت علی (ع) - به ویژگی‌هایی از این گنج نامه‌ای الهی اشاره شده است که نشان می‌دهد چرا از میان میلیون‌ها و میلیاردها صفحه و صحیفه که در گذر زمان، پا به عالم اندیشه‌ی انسان نهاده‌اند، تنها این نبشتار بی‌هیچ رقیبی بر صدر نشسته است و سروری می‌کند؛ بر هر تیرگی و تاریکی می‌تازد و بی‌دریغ بر همه‌ی عالم می‌تابد؛ هیچ کسی در تالو آن نمی‌آساید مگر آن که به فهم حقیقتی نایل می‌آید یا از خطا و نقصی رهایی می‌یابد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶). قرآن کریم جلوه‌گاه خداوند (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷). و مظهر اسم حکیم حضرت حق است (جوادی آملی، ۱۳۷۶). و رشته‌ی محکمی است که آدمیان، خود را به مدد آن تا به عرش برکشند و از چاه طبیعت برهند.

پاک و صافی شو و از چاه طبیعت به درآی *** که صفایی ندهد آب تراب آلوده

امام خمینی (ره) می‌نویسد:

این کتاب بزرگ الهی که از عالم غیب الهی و قرب ربوبی نازل شده و برای استفاده‌ی ما مهجوران و خلاصی ما زندانیان سجن طبیعت و مغلولان زنجیرهای پیچ در پیچ هوای نفس و آمال به صورت لفظ و کلام درآمده، از بزرگ‌ترین مظاهر رحمت مطلقه‌ی الاهی است (بقره، ۲۵۶).

هیچ جا بهتر از قرآن نیست، هیچ مکتبی بالاتر از قرآن نیست. این قرآن است که هدایت می‌کند ما را به مقاصد عالی‌های که در باطن ذات ما توجه به او هست و خود نمی‌دانیم (موسوی خمینی، ۱۳۷۵).

گسترش پیام این سروش هدایت در عرصه‌ی جهان و مواجهه‌ی استوار با مهاجمه‌ی کژاندیشان از هر تبار و دیار، مستلزم توجه جدی به مبحث بنیادین و زیرساز اعجاز است. در این میان، مسأله‌ی مهمی شایان توجه است که آیا تمامی آیات قرآن حاوی ویژگی اعجاز است یا برخی از آنها؟ آیا هر یک از آیات از جنبه‌ای خاص، حایز صفت اعجاز است یا می‌توان به وجوهی از اعجاز دست یافت که بر تمامی آیات شریفه‌ی قرآن نقش بسته باشد و پرتو آن بر تارک تک تک اجزای قرآن بدرخشد؟ (موسوی خمینی، ۱۳۷۵).

پژوهش حاضر، افزون بر پرداختن به پرسش بالا، نگاهی به تنوع حیرت‌انگیز وجوه اعجاز قرآن در آرای دانشمندان و قرآن پژوهان می‌افکند و می‌کوشد موجبات این اختلاف را مورد کاوش قرار دهد.

سخن از معجزه به عنوان یکی از اسناد حقانیت پیامبران همواره از مباحث جدی و مورد توجه متفکران دینی و غیر دینی بوده است. معجزات پیامبران پیشین همگی از سنخ ماده بوده است، که امروزه دیگر سخن از آنها و اثبات حقانیت آنها امری ناممکن است، در حالیکه معجزه پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) از سنخ لفظ و معنا است، و امروزه در دسترس بوده و اعجاز آن قابل ارائه و اثبات است. قرآن کریم به عنوان معجزه جاویدان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) وجوه اعجاز فراوانی دارد و هر روز گوشه‌ای از عظمت آن برای جهانیان آشکار می‌شود.

اگر چه پیشتر تنها بر روی فصاحت و بلاغت قرآن کریم به عنوان وجه اعجاز آن تکیه می‌شد، اما امروزه مسلمانان وجوه اعجاز گوناگونی را برای قرآن بر می‌شمرند.

۱-۲- اعجاز در لغت

دیدگاه‌های لغت‌نویسان راجع به واژه «اعجاز»، تقریباً با یکدیگر هم‌نواست؛ به گونه‌ای که ابن فارس می‌گوید: «واژه معجزه از مصدر اعجاز، مشتق از «عجز» می‌باشد که به معنای ناتوانی و نیز پایان و انتهای هر چیز است.» (فراهیدی، ۱۴۱۴). در قاموس نیز چنین آمده است: «عجز بر وزن فلس یعنی ناتوانی و اعجاز به معنای عاجز کردن است و در قرآن نیز چنین آمده است: «وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ» (ابن منظور، ۱۴۰۸). «شما نمی‌توانید [خدا را] درمانده کنید.» (سیوری، ۱۳۶۵).

راغب اصفهانی نیز در این باره می نویسد: «ریشه و اصل واژه «معجزه» تأخر از چیزی و وقوع آن به دنبال امری است؛ ولی در عرف به معنای قصور و ناتوانی از انجام کار، متداول گردیده است.» (طوسی، ۳۱۵). بنابراین می توان چنین گفت که به لحاظ لغوی، اعجاز به معنای ناتوان کردن و معجزه به معنای ناتوانی است.

۱-۳- اعجاز در اصطلاح

اندیشمندان مسلمان راجع به معنای اصطلاحی «اعجاز» دیدگاه واحدی ندارند. طریحی در این باره می نویسد: «معجزه امری است خارق العاده که مطابقت با ادعای نبوت داشته همراه با تحدی است.» (طباطبایی، ۱۴۱۱). سیوطی بر این باور است که معجزه امری است خارق عادت که در مقام محاجه آورده می شود و دیگران از آوردن آن عاجز باشند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲).

آیت الله خوئی راجع به تعریف اصطلاحی معجزه می نویسد:

کسی که مقامی را از ناحیه خداوند دعا می کند به عنوان گواه بر صدق گفتارش عملی انجام دهد که قوانین طبیعت را بشکند، به طوری که دیگران از انجام دادن آن عمل عاجز و ناتوان باشند، چنین عمل خارق العاده را معجزه و انجام دادن آن را «اعجاز» می نامند. (شعرانی، ۱۳۶۳).

علامه طباطبایی (ره) نیز در تعریف معجزه می گوید:

معجزه عبارت از امری است خارق العاده که دلالت کند که ماوراء، در طبیعت و امور مادی تصرف کرده است، و این به آن معنی نیست که معجزه مبطل امر عقلی و ضروری است.» (باغلانی، ص ۳۵).

همانگونه که ملاحظه گردید، بر اساس تعریف نخست، معجزه تنها برای صدق مدعی نبوت است در حالی که چنین قیدی در دیگر تعاریف وجود ندارد.

با وجود این، تعریف رایج و مشهور میان اندیشمندان مسلمان را می توان چنین معرفی کرد:

معجزه عبارت است از کار خارق العاده ای که همراه با ادعای نبوت بوده و با اراده خداوند متعال از شخص مدعی نبوت ظاهر می شود؛ ولی اگر کار خارق العاده ای از بنده ای صالح سر زند که مدعی نبوت نباشد، کرامت نامیده می شود (بنت الشاطی، ۱۳۷۶).

تفاوت معجزه با دیگر امور خارق عادت در آموزش ناپذیری، معارضة ناپذیری و عدم محدودیت و تفاوت در هدف آنهاست (علامه حلی، ۱۳۸۹).

معجزات پیامبران در ادوار گوناگون به حسب اقتضائات آن زمان است؛ به عنوان مثال معجزه حضرت موسی علیه السلام در عصری که عصر نفوذ ساحران بود، اژدها شدن عصای آن حضرت بود و معجزه حضرت عیسی علیه السلام اموری همچون شفادادن بیماران، ساختن کبوتری گلی و دمیدن روح در آن و ... بود (شعرانی، ۱۳۶۳).

معجزه پیامبر گرامی اسلام، نیز قرآن کریم است که معجزه-ای از سنخ معنا بوده و جاویدان است؛

قرآن کریم برای اثبات حقانیت خود به دفعات مخالفان خود را به تحدی فراخوانده است، تا آنجا که حتی یک سوره را هم از مشرکان مطالبه کرده است.

۱-۴- اعجاز و هماوردطلبی

خلیل بن احمد (م ۱۷۰ ق) صاحب کهن ترین کتاب لغت عرب، العین، «عجز» را به معنای ضعف و ناتوانی دانسته است ۷. لسان العرب نیز بر همین پایه، صورت های دیگر ساخته شده از این واژه را توضیح می دهد و می نویسد: «عَجَزَ الرَّجُلُ وَ عَاجَزَ؛ ۸ رفت و به او نرسید» پس استمرا در ناتوانی در معنای این لغت نهفته است و در همین معناست این آیه ی شریفه: «وَ الَّذِینَ سَعَوْا فِی آیَاتِنَا مُعَاجِزِینَ» (حج ۲۲)، جرجانی، ۱۳۶۸. آنان که عاجزانه در ابطال آیات ما تلاش می کنند. (یا این که در فکر معاجزه هستند و معاجزه به مفهوم کوشش هر یک از دو طرف در عاجز کردن طرف مقابل است)

عجاز به معنای عاجز و ناتوان و درمانده ساختن دیگری است و از همین باب است: «وَ أَنَا ظَنَّنَا أَن لَّنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ» جن (۷۲)، گنابادی / جنابندی، (۱۴۰۸) و ما دانستیم که هرگز خدا را عاجز نتوانیم کرد. اما در معنای اصطلاحی اعجاز، دانشمندان علم کلام و قرآن شناسان، فراوان و موشکافانه سخن رانده‌اند. از آن جمله، علامه فاضل مقداد سیوری در شرح خود بر باب حادی عشر آورده است که:

« الْمُعْجِزُ هُوَ الْأَمْرُ الْخَارِقُ لِلْعَادَةِ الْمَطَابِقُ لِلدَّعْوَى الْمَقْرُونُ بِالتَّحْدَى الْمُتَعَدِّرُ عَلَى الْخَلْقِ الْإِنْيَانُ بِمِثْلِهِ (کمالی دزفولی، ۱۳۶۰). معجزه امری است خارق عادت و مطابق ادعا که هم راه با تحدی و همانند طلبی بوده و مردم از انجام آن درمانده گردند».

شیخ طوسی، هم‌چنین بر اختصاص معجزه به شخص آورنده‌ی آن تصریح می‌کند تا تردیدی در دل مردم واقع نشود و صدق دعوی آورنده، به روشنی ثابت شود. (سیوطی، ۱۴۰۰).

علامه‌ی طباطبایی در تعریف اعجاز می‌نویسد: «الْأَمْرُ الْخَارِقُ لِلْعَادَةِ الدَّالُّ عَلَى تَصَرُّفِ مَاوَرَاءِ الطَّبِيعَةِ فِي عَالَمِ الطَّبِيعَةِ وَنَشْأَةِ الْمَادَّةِ لَا بِمَعْنَى الْأَمْرِ الْمُبْطِلِ لِضَرُورَةِ الْعَقْلِ؛ (نعیم حمصی، ص ۶۱). معجزه امری است خارق عادت که بر دخالت و تصرف نیروی ماورای طبیعت در عالم طبیعت و جهان مادی دلالت می‌کند، نه آن که به معنای امری باشد که ضروریات عقلی (مانند قانون علیت) را ابطال کند».

در قرآن کریم، «اعجاز» در معنای اصطلاحی یاد شده به کار نرفته است، بلکه معمولاً از واژه‌های آیه و بینه (آیات و بینات) استفاده شده است. بنابر تعریف راغب اصفهانی، «آیه» به معنای نشانه و علامت آشکار، و «بینه» به معنای دلیل روشن و واضح است، اعم از آن که دلیل عقلی باشد یا حسی. (زرکشی، ص ۱۱۲).

« لِتَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يُحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ » (انفال (۸) خطیب، ص ۲۵۶) تا هر که هلاک می‌شود از روی دلیل به هلاکت رسد و هر که زنده می‌شود از روی دلیل زندگی یابد.

۱-۵- مقصود از اعجاز علمی قرآن دو امر است:

۱. رازگویی علمی؛ بدین معنا که قرآن کریم، مطلبی را که قبل از نزول آیه کسی از آن اطلاع نداشته، بیان کند، به طوری که مدت ها بعد، آن مطلب علمی به وسیله دانشمندان کشف شود؛
۲. اخبار غیبی؛ بدین معنا که قرآن کریم در مورد وقوع حوادث طبیعی و جریانات تاریخی که در هنگام آیه کسی از آن خبر نداشته و در کتاب‌های آسمانی پیشین از آن خبر داده نشده است، اظهار نظر کند (سیوطی، ص ۱۰۰۹).

۱-۵-۱- اعجاز قرآن و دلیل آن

دلیل عمده بر اعجاز قرآن کریم، همان تحدی و مطالبه نظیر آن است که با قاطعیت از مردم عرب و غیرعرب خواسته است، چنانچه شک دارند نظیر و مانند آن را بیاورند.

قرآن کریم گاه از مردم خواسته است که همانند قرآن را بیاورند:

«فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ (علوم قرآن، ص ۴۳۱).

«اگر راست می‌گویند سخنی همانند آن بیاورند»

گاه نیز از مردم خواسته تا ده سوره مانند آن بیاورند:

«أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَلَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (طوسی، ص ۵۰۰).

«یا می‌گویند این [قرآن] را به دروغ ساخته است بگو اگر راست می‌گویید ده سوره بر ساخته شده مانند آن بیاورید و غیر از خدا هر که را می‌توانید فرا خوانید.»

خداوند متعال در برخی دیگر از آیات باز هم تنزل کرده و خواستار اقامه تنها یک سوره مانند قرآن را شده است؟

«وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (عبدالرحمن العک، ۱۴۰۶).

«و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده‌ایم شک دارید پس اگر راست می‌گویید سوره‌ای مانند آن بیاورید و گواهان خود را غیر خدا فرا خوانید.»

با توجه به آنچه که گذشت، روشن شد که خداوند متعال در قرآن کریم، مردم را مبارزه طلبیده و از آنها خواستار ارائه تنها یک سوره مانند سوره های قرآن شده است.

از سوی دیگر مطالعه تاریخ عرب نشان از این واقعیت دارد که خطبای نامی و فصیحی در میان عرب های آن زمان وجود داشته است بود و با اینکه این مطالبه از سوی خداوند، موقت به وقت و زمانی خاص یا گروه محدودی نبوده است و نیز چنین دعوتی از سوی قرآن، به طور دائم، به آنان پیشنهاد شده بود، عدم ارائه حتی یک سوره مانند سوره های قرآن، نشان از بشری نبودن قرآن و معجزه بودن آن دارد. به ویژه آنکه مشرکان آن عصر به گواهی تاریخ در نابودی قرآن حریص بودند و با نهایت کوشش می خواستند، نور خدا را خاموش نمایند و آن را مخفی نگهدارند. چنین امری خود بهترین دلیل است که آنها از معارضه عاجز بودند. و مقصود از معجزه نیز همین است.

قرآن کریم خود در این باره می فرماید:

«وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (زرکشی، ص ۱۰۶).

«چنان نیست که این قرآن از جانب غیر خدا [و] به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق [کننده] آنچه پیش از آن است می‌باشد و توضیحی از آن کتاب است که در آن تردیدی نیست [و] از پروردگار جهانیان است.»

بنابراین آنچه باعث شد که آنها ایمان نیاورند، همان عصبیت های آنها بوده که سد راه هدایت آنها شده است (ذهبی، ص ۴۷۴).

۱-۵-۲- وجود علوم بشری در قرآن

یکی از مباحث مرتبط با مسئله اعجاز علمی قرآن، مبحث وجود علوم بشری در قرآن است. به طور کلی راجع به این مسئله که آیا همه ی علوم بشری در قرآن هست، سه دیدگاه عمده وجود دارد:

الف) دیدگاه اول

قائلان به این دیدگاه بر این باورند که همه علوم بشری در قرآن وجود دارد. بر اساس پژوهش های محققان، نخستین بار این اندیشه در کتاب «احیاء العلوم» و «جواهر القرآن» ابو حامد غزالی دیده شده است. او سعی کرد که نشان دهد همه علوم را می توان از قرآن استخراج کرد. غزالی در این باره می نویسد:

«سپس علوم، همه آنها در افعال و صفات خدا داخل است و خداوند در قرآن، افعال ذات و صفات خود را توضیح می دهد و این علوم بی نهایت است و در قرآن به اصول کلیات (جامع) آنها اشاره شده است.» (غزالی، ۱۴۱۲).

پس از غزالی، ابوالفضل المرسی، - که صاحب کتاب تفسیر است - این دیدگاه را به صورت افراطی می پذیرد و این آموزه را مطرح می کند که همه علوم اولین و آخرین در قرآن وجود دارد.

پس از این دو، بدرالدین زرکشی در البرهان، جلال الدین سیوطی در کتاب الاتفاق فی علوم القرآن و مرحوم فیض کاشانی در مقدمه تفسیر «صافی» این دیدگاه را می پذیرند.

در عصر جدید هم با پیشرفت علوم، این دیدگاه تقویت شد و کسانی مثل طنطاوی جوهری در کتاب تفسیر «الجواهر فی تفسیر القرآن» سعی کرد تا بسیاری از علوم جدید را به قرآن نسبت دهد. (حمصی، ص ۳۲۲).

قائلان به دیدگاه اول، برای اثبات نظریه خود دلائلی اقامه کرده اند:

اولا ظاهر برخی از آیات قرآن دلالت بر این دارد که همه چیز در قرآن وجود دارد. مثل:

«وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (اعجاز القرآن، ص ۳۲۲).

«و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است، بر تو نازل کردیم.»

ثانیا آیاتی که اشاره به علوم مختلف می کند مثل: آیه ی که از حساب سخن می گوید اشاره به علوم ریاضی دارد:

«وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ» (محمود آملی، ۱۳۷۷).

همچنین آیه زیر دلالت بر وجود علم پزشکی در قرآن می کند:

«وَإِذَا مَرُضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ» (سیوطی، ص ۱۰۱۳).

ثالثا روایاتی از اهل بیت علیهم السلام صادر شده است که دلالت بر وجود همه علوم در قرآن دارد. به عنوان نمونه از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«ان الله تبارک و تعالی لم يدع شيئا تحتاج اليه الامه نزله في كتابه و بينه لرسوله» (زرقانی، ۱۴۰۹).

«خداوند تبارک و تعالی هیچ چیزی را که مسلمانان به آن محتاج باشند، فروگذار نکرده است مگر آنکه آنها در قرآن، نازل فرموده و برای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بیان کرده است.»

رابعا در روایات متعددی بیان شده که قرآن دارای بطون است. عزالی در کتاب احیا العلوم به همین مطلب اشاره کرده و تعداد علوم قرآن را تا هفتاد و هفت هزار و دویست علم بر شمرده است. (علوم القرآن عندالمفسرین، ص ۵۶۷).

نقد این دیدگاه را به همراه بیان دیدگاه برگزیده بیان خواهیم کرد.

ب) دیدگاه دوم

قائلان به این دیدگاه بر این باور هستند که قرآن فقط کتاب هدایت و دین است و برای بیان مسائل علوم تجربی نیامده است. این دیدگاه را می توان از سخنان برخی صاحب نظران و مفسران استفاده کرد.

برای مثال ابو اسحاق شاطبی، که با نظریه عزالی و المرسی، سخت مخالف بود، می گوید: «قرآن برای احکام آخرت و مسائل جنبی آن آمده است.» (ابن فارس، ص ۲۳۲).

در بررسی این دیدگاه می توان گفت که چنین ادعایی با ظواهر آیات قرآن ناسازگار است؛ چرا که در قرآن احکام و حدود و حتی قوانین ارث و دستورات جنگ و حکومت و اقتصاد و..... بیان شده است که مربوط به دنیای مردم است.

ج) دیدگاه برگزیده

به نظر می رسد با مراجعه به قرآن کریم، به دیدگاه سوم که تفصیل در مسئله است، خواهیم رسید بدین معنا که از طرفی همه علوم بشری در ظواهر قرآن وجود ندارد و هدف اصلی قرآن نیز هدایت گری به سوی خداست. و از طرفی دیگر قرآن کریم دعوت به تفکر و علم می کند و برخی از مثال ها و مطالب علمی صحیح و حق را بیان می کند. به دیگر بیان استفاده قرآن کریم از برخی مسائل علمی نیز در جهت هدایت گری انسان هاست.

شواهدی که می توان برای تبیین این دیدگاه و نیز رد دیدگاه نخست، اقامه کرد عبارتند از:

اولا قرآن کتاب هدایت است، بنابراین ضرورت ندارد تا تمام مسائل علمی را با تفصیلات آن ها بیان کند؛ هدایت گری قرآن کریم مطلبی است که بارها از سوی خداوند در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است:

«ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین» (یونس، آیه ۵۳).

«ان کتاب تردیدی در آن نیست، موجب هدایت متقین است»

«شَهْرَ رَمَضانَ الَّذِی اُنزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَ بَیِّناتٍ مِنَ الْهُدٰی وَ الْقُرْآنِ» (قرشی، قاموس قرآن، ص ۲۹۲).

«ماه رمضان است ماهی که قرآن، برای راهنمایی مردم، و نشانه‌های هدایت، و فرق میان حق و باطل، در آن نازل شده است.»
ثانیا ظهور آیاتی که می فرماید: «همه چیز در قرآن است» قابل اخذ نیست؛ چرا که بسیاری از فرمول های شیمی و فیزیک در قرآن نیست.

ثالثا آیاتی که اشاراتی به برخی علوم طبیعی دارد، هدف از آنها کشف فرمول های فیزیک و شیمی نیست، بلکه این اشارات به طور استطرادی و حاشیه ای مطرح شده تا از دل آنها مطالبی برای هدایت انسان ها بیان شود. (راغب اصفهانی، ص ۵۵۳).

بنابراین می توان مدعی شد که اولاً تمام علوم بشری در قرآن نیست؛

ثانیا قرآن تنها برای امور اخروی نیامده است؛

ثالثا قرآن کریم برای هدایت انسان ها آمده است، از این رو آنجا که لازم دانسته از برخی مطالب صحیح علمی نیز بهره برده است.

با توجه به آنچه که گذشت، این بحث مطرح می شود که آیا می توان اعجاز علمی قرآن را با استخراج برخی آیات علمی قرآن ثابت کرد؟

برای پاسخ به این سوال لازم است، برخی از آیاتی که متضمن برخی مطالب علمی است و مورد استناد محققان قرار گرفته، مطرح و پس از بررسی آنها اعجاز علمی قرآن را پذیرفته یا رد کرد.

۱-۶- نمونه ای از اعجاز علمی قرآن

۱. جاذبه زمین

یکی از قوانینی که در قرون اخیر در اروپا کشف شد، قانون جاذبه زمین است. در مجامع علمی روز، از نیوتن به عنوان نخستین نظریه پرداز این قانون یاد می شود. (الطریحی، مجمع البحرین، ص ۱۲۵).

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که می توان در بردارنده قانون جاذبه زمین باشد:

«اللّٰهُ الَّذِی رَفَعَ السَّمٰوٰتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرْوٰیها» (سیوطی، ص ۲۵۲).

«خدا همان کسی است که آسمانها را، بدون ستونهایی که برای شما دیدنی باشد، برافراشت.»

ظاهر این آیه دلالت بر این مطلب دارد که خداوند متعال برای پابرجا ماندن آسمان ها، ستون هایی نامرئی را ساخت تا در حقیقت مانع از فروپاشی آسمان ها شود.

چنین برداشتی از آیه، دلیل بر مسئله و قانون جاذبه زمین است که قرن ها بعد به وسیله نیوتن مطرح شد.

آیت الله مکارم شیرازی در کتاب قرآن و آخرین پیامبر می نویسد:

شک نیست که وجود نیروی مرموزی را در درون زمین که همه اجسام را به سوی خود می کشد، همه پیش از نیوتن احساس کرده بودند، اما اینکه این قانون یک قانون عمومی در سرتاسر جهان آفرینش، در تمام کرات و سیارات و کواکب و

کهکشان-های عظیم و حتی میان دو ذره بسیار کوچک و ناچیز می باشد، که کسی پیش از نیوتن ظاهراً از آن آگاهی نداشت و تنها او بود که نخستین بار در قرن ۱۷ میلادی با الهام گرفتن از سقوط یک سیب به زمین پرده از روی این قانون بزرگ برداشت و پایه گذار قانون جاذبه عمومی شد. اهمیت این قانون بقدری است که بعضی قرن ۱۷ را قرن نیوتن نام گذارده اند، نیوتن ساعت های طولانی در سکوت و اندیشه فرو رفت تا توانست این قانون پیچیده را کشف کند و این جمله را اثبات نماید که هر دو جسم یکدیگر را به نسبت مستقیم جرمها، و به نسبت معکوس مجذور فاصله ها، جذب می کنند. (خوئی، البیان، ص ۴۱).

بنابر آنچه که گفته شد، این حقیقت آشکار و ثابت است که بیش از هزار سال قبل از نیوتن و کشف عظیم او قرآن به این نیرو اشاره کرده است.

از این رو می توان وجود چنین مسئله ای در قرآن را یکی از وجوه اعجاز علمی قرآن دانست.

۲. حرکت زمین

مدت ها بود که کلیسا نظریه زمین-محوری بطلمیوس را مطرح و شدیداً از آن دفاع می کرد، بر اساس این نظریه، زمین ثابت بود و خورشید به دور آن می چرخید، تا اینکه برای نخستین بار «کپرنیک» لهستانی و پس از او «گالیله» ضمن مخالفت با نظریه کلیسا، نظریه خورشید-مرکزی را مطرح کردند که بر اساس آن، زمین در حال گردش به دور خورشید است. گالیله با اختراع دوربین کوچکی که طرح آن را از یک عینک ساز هلندی به نام «یانس» گرفت و تکمیل نمود، تقریباً جنبه ی حسی به آن داد، خلاصه اینکه این کشف بزرگ علمی و اکتشاف مهم در تاریخ علم به نام او ثبت گردید. ولی قرآن در حدود یک هزار سال پیش از گالیله عقیده زمین-مرکزی را در لابلای آیات مربوط به اسرار آفرینش و توحید، صریحاً رد کرده و تصریح می کند که زمین با سرعت در گردش است:

«وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي اِثْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ» (طباطبایی، المیزان، ص ۹۳).

«کوهها را می بینی [و] می پنداری که آنها بی حرکتند و حال آنکه آنها ابرآسا در حرکتند [این] صنع خدایی است که هر چیزی را در کمال استواری پدید آورده است در حقیقت او به آنچه انجام می دهد آگاه است.»

این آیه به روشنی بر این مطلب دلالت دارد که کوه-ها در حرکتند، اگر چه به نظر ساکن می آیند. مسلماً حرکت کوه-ها بدون حرکت زمین های متصل به آنها معنی ندارد و به این ترتیب معنی آیه چنین می شود که زمین ها همه با هم به سرعت همچون ابرها در حرکتند.

اما چرا قرآن کوه ها را مرکز بحث قرار داده؟ شاید به این جهت است که کوه ها از نظر سنگینی و وزن و پا برجائی ضرب المثلند، و برای تشریح قدرت خداوند و قدرت او بر هر چیز قرآن این تعبیر را انتخاب نموده است جائی که کوه ها با این عظمت و سنگینی به فرمان خدا گردش کنند قدرت قاهره ی او بر هر چیز به ثبوت می - رسد.

نکته جالب دیگر که در این آیه دیده می شود تشبیه حرکت زمین به حرکت ابرهاست از این تشبیه زیبا دو چیز استفاده می شود:

۱- حرکت سریع را در گذشته، بلکه امروز نیز به حرکت ابرها تشبیه می کنند، در حدیث است که می فرماید: «الْفُرْصَةُ تَمُرُّ السَّحَابِ» فرصتها همچون ابرها به سرعت در گذرند، نمونه ای از این مطلب است، یعنی حرکت زمین بسیار سریع است. مطابق نظریه دانشمندان امروز سرعت سیر حرکت زمین در حرکت وضعی نزدیک به ۳۰ کیلومتر در هر دقیقه است.

۲- دیگر اینکه حرکت ابرها با نهایت آرامش و بدون سر و صدا انجام می پذیرد حرکت کره زمین به دور خود نیز کاملاً آرام و خالی از هرگونه اضطراب و سر و صدا است. (شیخ مفید، ص ۳۶).

از دیگر آیاتی که نشان از حرکت زمین دارد، آیه زیر است:

«الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا» (مصباح یزدی، ص ۹۹).

«همان کسی که زمین را برایتان گهواره‌ای ساخت.»

قرآن در توصیف زمین لفظ «مهد» و «گهواره» را به کار برده و آن را به گهواره کودک تشبیه نموده است، گهواره را برای کودک شیرخوار آماده می کنند. حرکت گهواره چنان ملایم و آرام است که کودک را به خوبی به استراحت خواب می برد، هم چون زمین برای بشر آفریده شده که حرکت وضعی و انتقالی آن بسان حرکت گهواره کاملاً نرم و آرام می باشد، همان طور که حرکت گهواره برای پرورش کودک و استراحت او انجام می گیرد. هم چنین منظور از حرکت روزانه و سالانه زمین تربیت انسان بلکه کلیه موجودات روی زمین (اعم از جاندار و گیاه و نبات) می باشد.

این آیه با ظرافت و لطافت خاصی به حرکت زمین اشاره کرده و علت اینکه از تصریح خودداری نموده این است که دانشمندان آن روز بیشتر بر سکون زمین اتفاق نظر داشتند و آن را از ضروریات و بدیهیات غیر قابل تردید می دانستند. (فراهیدی، ص ۱۲۷۳).

از بررسی آیات مربوط به حرکت زمین به این نتیجه می رسیم:

زمین دارای دو حرکت می باشد، ۱- حرکت وضعی ۲- حرکت انتقالی.

هرکدام از این حرکات دارای خصوصیات خاص می باشند، که تأثیر اساس در زندگی بشری داشته که بدون آن زندگی ممکن نبود. به علاوه این حرکات، زمین دارای نیروی جاذبه است که اجسام را روی خود نگهداشته و از معلق شدن در فضا جلوگیری می کند. لذا با دیدن و شناخت پیدا کردن نسبت به کره زمین، هر انسان متفکر و دانشمند را به تعجب وادار می دارد. و پی به وجود خالق می برد که دانا و توانا و فرزانه است که به تمام نیازهای بندگانش توجه داشته است. با توجه به آنچه که گذشت، می توان به این نتیجه رسید که قرآن کریم، سال ها پیش از کپرنیک و گالیله مسئله حرکت زمین را مطرح کرده است.

البته گاه ادعا می شود که پیش از گالیله و در عصر یونان باستان کسانی مسأله حرکت زمین را مطرح کرده بودند. در این باره ادعا شده است که «فیثاغورث» حکیم معروف یونانی اشاراتی به این مسئله داشته است، ولی از آنجا که نتوانسته بود دلایل کافی و قانع کننده بر مدعای خود اقامه کند، هیچ گاه سخن آنان به عنوان یک نظریه علمی مورد توجه محافل علمی جهان واقع نشده بود؛ چرا که نظریه بطلمیوس مبتنی بر سکون و مرکزیت زمین در حدود ۱۵ قرن چنان بر تمام افکار دانشمندان سایه افکنده بود، که دیگر نظریات قدرت عرض اندام را نداشتند. (الفیومی، ص ۴۲۷)

بنابراین اگر چنین ادعایی را صادق تلقی کنیم، دیگر نمی توان نظریه حرکت زمین از سوی قرآن را به عنوان اعجاز علمی قرآن کریم، تلقی کرد.

۳. خبر از پیروز شدن روم

پیشتر اشاره شد که اصطلاح اعجاز علمی قرآن، بر پیشگویی ها و اخبار غیبی که تا عصر نزول کسی از آنها خبر نداشته و در کتاب های آسمانی پیشین نیز از آن خبر داده نشده است، اطلاق می شود. یکی از پیشگویی های قرآن کریم، پیشگویی از پیروزی رومیان بر ایرانیان است. قرآن کریم در این باره می فرماید:

«غلبت الروم فی ادنی الارض و هم من بعد غلبهم سیغلبون فی بضع سنین» (قرشی، قاموس قرآن، ص ۱۲۷۳)

«رومیان مغلوب شدند (و این شکست) در سرزمین نزدیکی رخ داد، اما آنها بعد از مغلوبیت به زودی در چند سال، غلبه خواهند کرد.»

در این آیه از دو جنگ خبر می دهد که در نخستین نبرد، ایرانیان بر رومیان چیره شده و در نبرد دوم، این رومیان بودند که بر ایرانیان پیروز شدند.

برای اینکه بدانیم شکست رومیان از ایرانیان و سپس پیروزی آنها در چه مقطع تاریخی واقع شده است کافی است بدانیم که در تواریخ امروز، در دوران خسرو پرویز، به یک دوران جنگ طولانی میان ایرانیان و رومیان برخورد می کنیم که بیست و چهار سال دوام یافت، و از ۶۰۴ میلادی تا ۶۲۸ به طول انجامید. (مصطفوی، ص ۲۰۶).

در حدود سال ۶۱۶ میلادی دو سردار معروف ایرانی بنام «شهربراز» و «شاهین» به قلمرو روم شرقی حمله کردند، آنها را شکست سختی دادند، و منطقه شامات و مصر و آسیای صغیر را مورد تاخت و تاز قرار دادند، دولت روم شرقی که گرفتار شکست سختی شده بود تا آستانه انقراض پیش رفت و دولت ایران تمام متصرفات آسیایی او را با مصر تسخیر کرد.

و این در حدود سال هفتم بعثت پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بود.

ولی «هرقل» پادشاه روم از سال ۶۲۲ میلادی تهاجم خود را به ایران شروع کرد و شکست های پی در پی به سپاه خسرو پرویز وارد ساخت، و تا سال ۶۲۸ میلادی این جنگهایی که به نفع رومیان بود ادامه یافت، خسرو پرویز شکست سختی خورد و مردم ایران او را از سلطنت خلع کرده و پسرش «شیرویه» را به جای او نشانند. (مصباح یزدی، ص ۶۱).

با توجه به اینکه میلاد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در سال ۵۷۱ و بعثت ایشان در سال ۶۱۰ میلادی واقع شد شکست رومیان منطبق بر سال هفتم بعثت و پایان پیروزی رومیان و شکست خسرو پرویز بر سال پنجم تا ششم هجرت منطبق می شود، و می دانیم در سال پنجم فتح خندق اتفاق افتاد و در سال ششم صلح حدیبیه اتفاق افتاد، البته انتقال اخبار جنگ ایران و روم به منطقه حجاز و مکه نیز معمولاً مقداری از زمان را اشغال می کرده است و به این ترتیب تطبیق تاریخی این خبر قرآنی روشن می شود. (مجلسی، ص ۱۴۰).

با توجه به آنکه این واقعه در آینده اتفاق افتاده بود و در کتاب های آسمانی پیشین نیز خبر داده نشده است، وجود آن در قرآن کریم را می توان از مصادیق اعجاز علمی قرآن دانست

۱-۷- چگونگی اتمام حجت قرآن بر غیر عرب

وجوه اعجاز قرآن به طور کلی به دو قسمت قابل تقسیم اند: نخست، وجوهی که برای پی بردن به آنها تسلط و تخصص در زبان عربی ضرورت دارد؛ دوم، وجوهی که تنها به معانی و مفاهیم قرآن ارتباط می یابند و آگاهی از آنها برای ناآشنایان با دقایق و ظریف ادبی زبان عربی نیز مقدور و میسر است.

اما به هر حال، مشهور میان قرآن شناسان آن است که مهم ترین وجه اعجاز در عصر نزول، فصاحت و بلاغت قرآن بوده و این را عرب به روشنی درمی یافت و بدین معرفت معترف بود و از این جهت، حجت بر اعجاز، علاوه بر فصحا و بلغای عرب، بر دو گروه دیگر نیز تام و تمام است:

۱ - اعرابی که معاصر نزول و معاصر رسول (ص) بودند اما در حد استادان ممتاز و میرز بلاغت آن عصر که بعضاً سروده هایشان بر پردهی کعبه آویخته می شد - معلقات - نبودند بلکه داوری در ترجیح سخن های بلیغ را به آنها وامی نهادند و هر که اندکی در احوال عرب آن روزگار تامل کند این تفاوت چشم گیر مراتب بلاغت را در میان آنها به طور کامل تشخیص می دهد. این گروه، پس از خضوع و تسلیم استادان برجسته و داوران فراتر نشسته ای ادب عرب به غیر بشری بودن قرآن، عذری در عدم ایمان نخواهند داشت، هم چنان که معاصران حضرت موسی (ع)، حتی اگر نابینا بودند و امکان مشاهده ی عینی معجزات آن پیامبر بزرگ را نداشتند، با وجود گواهی آن همه انسان بینا، عذر بی خبری از ایشان پذیرفته نبود. (رضایی، ص ۹۴).

۲ - گروه دوم، کلیه‌ی عرب‌های پس از عصر نزول قرآن و نیز همه‌ی مردمان غیر عرب در هر زمانی هستند که گرچه ممکن است با ادبیات عرب آشنایی نداشته باشند و با علم تفصیلی، وجوه اعجاز ادبی و بیانی قرآن را درنیابند، ولی به یقین دریافته‌اند آنها که اهل عربیت بوده‌اند و فصاحت تمام داشته‌اند در پیشگاه قرآن زاوی فروتنی زدند و پیشانی خضوع بر خاک ساییدند(طور، ۳۴).

علامه شعرانی در این مورد بیان جالبی دارد، وی می‌نویسد:

خداوند عالم نفرمود یک تن مانند قرآن نمی تواند آورد، بلکه فرمود اگر همه‌ی جهان به یکدیگر یاری برسانند باز مانند قرآن نیاورند. یک تن عالم است و فصیح نیست و دیگر فصیح است و عالم نیست و یکی تاریخ داند و دیگری از علوم اجتماعی باخبر است و دیگری از حساب آگاه است و یکی از رموز جنگ و یکی تجارب آموخته ، اگر همه باهم یار شوند و بخواهند به یاری یکدیگر قرآنی بسازند باز عاجز شوند و فرو مانند و اگر قرآن تألیف یک تن بشر باشد آیا ممکن است تمام مردم جهان از معارضه‌ی با او و نوشتن یک فصل مانند فصلی از کتاب او عاجز شوند و همه‌گونه کوشش نمایند و رنج به خود دهند و راضی به کشته شدن و اسیری شوند و مال خویش را به تراج دهند و یک آیت [سوره] مانند قرآن نیاورند؟! ... پس از آن حضرت تا امروز هم که هزار [او چند صد] سال می‌گذرد، این همه دشمنان اسلام نتوانستند یک سوره مانند قرآن بیاورند با آن [همه] حرص و ولع که به اضمحلال این دین حنیف دارند! (هود، ۱۲).

فصل دوم

۲-۱- مقدمه

خداوند متعال در چند آیه از قرآن، مخالفان و حیانی بودن قرآن را به تحدی فراخوانده است. این دعوت در همان عصر نزول که خداوندگاران شعر و ادب و فصاحت و بلاغت در مهبط وحی جشنواره‌های ادبی برگزار می‌کردند و سروده‌های خویش را به پرده‌ی کعبه می‌آویختند. با صدای رسا به گوش همگان رسید: اما هیچ کس بدان پاسخی در خور نداد و بدین سان معجزه‌ی آخرین پیامبر بنیان‌های خویش را استوار ساخت. با این حال، گوناگونی آرای قرآن شناسان و قرآن پژوهان در وجه اعجاز قرآن بسی شگفت‌انگیز است. تا جایی که عده‌ای به این دیدگاه رسیده‌اند که اعجاز قرآن فراتر از آن است که بتوان چند و چون آن را با زبان آدمی بیان کرد.

۲-۲- مخاطب تحدی در اندیشه‌ی باقلانی

آیا هم‌اوردجویی قرآن در خطاب با عموم انسان‌ها در همه‌ی اعصار است یا صرفاً با قهرمان‌های فصاحت و بلاغت در عصر بعثت رسول مکرم اسلام؟

دکتر بنت الشاطی در گزارشی که از مفهوم اعجاز و مخاطبان تحدی بنابر نظرگاه‌های باقلانی به دست داده است مدعی وجود تعارض در اندیشه‌ی این دانشمند شده است با این بیان که باقلانی در یک جا گفته است:

این آیت - یعنی معجزه‌ی قرآن - علمی است که بر همگان لازم است آن را بپذیرند و سر تسلیم در برابرش فرود آورند. این در حالی است که دانستیم مردم در درک این حقیقت و رسیدن به این علم، یا به عبارت دیگر به وجه دلالت آن، با یکدیگر تفاوت دارند، زیرا غیر عرب تنها از طریق آگاهی یافتن از ناتوانی عرب در این مسأله به این معرفت می‌رسد که قرآن معجزه است. غیر عرب در معرفت این امر واسطه‌هایی نیاز دارند که افرادی که خود اهل فصاحت‌اند بدان نیازمند نیستند. اما زمانی که همین غیر عرب از ناتوانی اهل فصاحت در این مسأله آگاهی می‌یابد، به منزله‌ی آنان، مخاطب این آیت و حجت قرار می‌گیرد(بقره، ۲۳).

به همین نحو، کسانی هم که اهل فصاحت‌اند، ولی در سطحی متوسط قرار دارند، به آن اندازه به درک مسأله‌ی اعجاز نایل نمی‌آیند که صاحبان قدرت و توانایی و چیره‌دستان این صنعت بدان نایل می‌شوند. به همین دلیل نیز، شاید این متوسط‌ها از

این نظر در ردیف غیر عرب قرار گیرند که تنها در صورت آگاهی یافتن از ناتوانی خدواندگاران این هنر حجت بر آنها تمام می‌شود. بنابراین، در این مسأله، آنان که مرجع و معیارند مجموعه فصیحانند، نه تک‌تک آنها ... (یونس، ۳۷). اما دیری نمی‌پاید که دانشمند مزبور، این سخن خود را که گفته بود تنها اعراب عصر بعثت مخاطب تحدی هستند، نادیده می‌گیرد و می‌گوید:

این تحدی، به یک نحو، هم آنان و هم دیگران را مورد خطاب قرار می‌دهد: ما به همان نحو که از ناتوانی مردم نخستین عصر [در آوردن همانند قرآن] آگاهی می‌یابیم، از ناتوانی مردم دیگر عصرها نیز آگاه می‌شویم، زیرا راه رسیدن به چنین آگاهی‌ای در هر دو مورد یکی است، چرا که همه به یک نحو مخاطب تحدی و مبارزه‌جویی قرار گرفته‌اند و از دیگر سوی، روح به مخالفت و مبارزه برخاستن در همه‌ی طبایع به یک نحو موجود است و تکلیف نیز به یک شیوه و بی آنکه تفاوتی در کار باشد متوجه همگان است. (زرندی، ص ۱۹۱).

به نظر می‌رسد تصور تعارض در سخنان علامه باقلانی، توهمی بیش نباشد که از تعارض ظاهری دو سخن یاد شده نشأت گرفته باشد در حالی که با این توضیح مختصر، اشکال مذکور مرتفع می‌شود که: هر چند خطاب تحدی به همگان است اما در حقیقت این متخصصان و نخبگان فصاحت و بلاغت (یا هر یک از دیگر وجوه اعجاز قرآن) هستند که مخاطب تحدی واقع می‌شود و اگر قرار باشد نمونه‌ای همانند قرآن بر ساخته شود، هر چند همه بخواهند، اما به طور طبیعی همان متخصصان مدعی و تلاشگر در این کار خواهند بود. (نحل، ۸۹).

بنابراین اگر تا آخر تاریخ هم، همه مخاطب تحدی قرآن باشند، در عمل نگاه همه‌ی شکاکان در اعجاز برای مشاهده‌ی نتیجه‌ی کار به استادان فن به ویژه سرآمدان صدر تاریخ اسلام که فحول ادبیت و عربیت بودند دوخته می‌شود؛ گر چه تا ابدالدهر نیز هرگز توان کوچک‌ترین مقابله‌ای را در این جهت نخواهند داشت - هم‌چنان که طول تاریخ بشریت از صدر اسلام تاکنون نشان داده است و روز به روز این ناتوانی و شکست ظاهرتر و قطعی‌تر جلوه می‌کند، پس تعارضی در کار نخواهد بود.

۲-۳- سیری در وجوه اعجاز قرآن کریم

درباره‌ی وجوه اعجاز قرآن در طول تاریخ اسلام، فراوان گفته و نوشته‌اند، به گونه‌ای که توصیف، تبیین و بررسی آنها مستلزم چندین پژوهش گسترده و پردامنه است. اینکه به صورتی کاملاً مجمل و مختصر سیری داریم در مشهورترین وجوهی که نامداران پهنه‌ی تفسیر و قرآن پژوهی در آثار خود به یادگار نهاده‌اند و یا از قول آنها در آثار دیگران نقل شده است.

۲-۳-۱- تنوع حیرت انگیز آرا درباره‌ی وجه اعجاز قرآن

گونگونی آرای قرآن پژوهان در امر اعجاز قرآن، بسی شگفت انگیز است. هر چند به تصریح تمامی اندیشمندان مسلمان اصالت معجزه بودن قرآن کریم، حقیقتی است که مورد پذیرش و اتفاق همگان است و هیچ کس در آن تردید روا نمی‌دارد، با این حال، این کتاب آسمانی، چون توسط بشر، در معرض تبیین علمی قرار می‌گیرد، معرکه‌ها برمی‌انگیزد و هوش و خرد نقادان معانی و الفاظ را به بهت و حیرت وا می‌دارد.

اینک به ذکر فشرده‌ی نظرات پرداخته، از توضیح و تفصیل آنها صرف نظر می‌کنیم:

۲-۳-۲- بحث از وجوه اعجاز قرآن ضروری نیست

علامه شعرانی ضمن برشمردن وجوهی از اعجاز، یادآور می‌گردد که خواجه نصیر الدین طوسی همه‌ی آنها را محتمل می‌شمرد و سپس اظهار می‌کند که بحث از وجوه اعجاز، بحثی غیرلازم است و دقت در علت اعجاز، وسوسه‌ای غیر ضروری است که نفعی جز انحراف ذهن از راه مستقیم ندارد. (انبیا، ۴۷) با توجه به توضیحات علامه شعرانی در اثر دیگر خود، راه سعادت، می‌توان گفت: ایشان توجه و وسواس بر کشف وجه اعجاز را برای اذهان ضعیف، مجاز نمی‌شمرد، ولی به طور کلی غیر ضروری

بودن این بحث یا نهی از وسواس بی جا در چند و چون این مفهوم، منافاتی با سودمند یا حتی مستحسن بودن این مباحث ندارد، همچنان که خود نیز در حد معمول و معقول بدان پرداخته است. (شعرا، ۸۰)

۲-۳-۳- کاوش از وجوه اعجاز قرآن ضروری است

در نقطه‌ی مقابل نظر پیشین، علامه جرجانی، اطلاع ما را از شکست اعراب در برابر تحدی قرآن، موجب بی‌نیازی از کاوش در چرایی این واقعیت نمی‌داند و ترجیح جهل را بر علم در این باره مجاز نمی‌شمرد و خود نیز در کاوش از این چگونگی قدم در میدان تحقیق می‌نهد. (حویزی، ص ۷۴)

۲-۳-۴- ادراک وجه اعجاز امکان پذیر نیست.

برخی از قرآن پژوهان و مفسران برآنند که وجه اعجاز قرآن - هر چه باشد- برای بشر قابل درک نیست و « تردید در تعیین وجه اعجاز قرآن دلیل بر نشناختن و درنیافتن وجه اعجاز قرآن است. » از دانشمندانی علامه مجلسی، ۲۰ سکاکی و حسن بن محمد قمی مشابه این نظر نقل شده است.

۲-۳-۵- اعجمی تنها با استدلال، اعجاز را در می‌یابد.

بسیاری از دانشمندان تأکید می‌کنند که اعجمی و حتی عرب غیرفصیح و ناآشنا با بلاغت، نمی‌تواند با علم تفصیلی و به گونه‌ای بدیهی و ضروری، اعجاز قرآن را دریابد و تنها راه فهم اعجاز قرآن برای این گروه، استدلال است (رضایی، ص ۳۳) روشن است که این نظر درباره‌ی درک اعجاز بلاغی قرآن درست است، ولی آیا قرآن کریم، تنها از نظر بلاغت معجزاست که راه درک تفصیلی آن بر اعجمی مسدود باشد؟!

۲-۳-۶- ناآشنا به زبان عربی نیز محروم و محجوب از قرآن نیست

در مقابل رأی سابق، گروهی دیگر از دانشمندان، درک اعجاز قرآن را برای احدی از کسانی که بخواهند به وجهی از وجوه اعجاز دست یابند، غیرممکن نمی‌دانند؛ یعنی همچنان که ممکن است باب معارف قرآن بر روی کسی که جز از بلاغت آن آگاهی ندارد ناگشوده بماند، کسانی هم که از بلاغت قرآن سررشته‌ای ندارند ممکن است از وجوه دیگر، روزنه‌ای برای مشاهده‌ی عظمت کبریایی و ماورایی این کتاب برای خود بیابند. (رضائی اصفهانی، ص ۳۴)

۲-۳-۷- نظریه‌ی صرفه: اعجاز قرآن جلوگیری مردم از همانند آوری است

از دیرباز، کسانی از مذاهب مختلف اسلامی همچون ابواسحاق نظام (م ۴۳۶ ق) و ابن سنان خفاجی (م ۴۶۶ ق) نظریه‌ای را مطرح کرده و گسترش داده‌اند که بر آن است « رمز شکست اعراب در رویارویی با قرآن، نه از ناحیه‌ی جنبه‌های درونی قرآن بلکه به سبب نیروی بازدارنده‌ای است که خداوند نسبت به مخالفان و منکران حقانیت قرآن اعمال می‌کند و به این وسیله از همانند آوری آنان مانع می‌شود. » ۲۵ ناگفته نماند که برخی از منتقدان به نظریه‌ی صرفه، یا کسانی که احتمال درستی آن را نیز می‌دهند، علاوه بر نظریه‌ی صرفه، وجوه دیگر اعجاز را نیز صادق می‌دانند؛ از این گروه می‌توان راغب اصفهانی ۲۶ و خواجه نصیرالدین طوسی ۲۷ را نام برد. (بقره، ۲)

۲-۳-۸- نیازی به فراگیر بودن وجوه اعجاز نسبت به کل آیات نیست.

از نظرات تازه‌ای که مطرح شده، می‌توان نظر خالد العک را نام برد. وی می‌نویسد: در قرآن کریم دوازده معنا وجود دارد که اگر در تمام قرآن جز یکی از آنها نبود برای اثبات اعجاز آن کفایت می‌کرد. این معانی عبارت‌اند از: ایجاز لفظ، تشبیه چیزی به چیز دیگر، استعاره، معانی نو، هماهنگی حروف و کلمات، فاصله‌های مقاطع کلام در آیات، تجانس ساختار کلمات، بیان قصص و احوال، اشتغال بر حکمت‌ها و اسرار، مبالغه در امر و نهی، حسن بیان مقاصد و اغراض، تمهید مصالح و اسباب و اخبار از آنچه بوده و خواهد بود. (طریحی، ۱۴۰۸)

وجوه مذکور سیزده وجه است که ممکن است مؤلف دو تا از آنها را باهم به حساب آورده باشد نظیر تشبیه و استعاره. به هر حال با توجه به این که تمامی این وجوه در کل آیات جریان ندارد معلوم می‌شود که از نظر ایشان وجود یکی از وجوه اعجاز در پاره‌ای از آیات برای اثبات اعجاز کل قرآن کفایت می‌کند.

۲-۳-۹- وجه حقیقی اعجاز، جمع همه‌ی ویژگی‌ها است

از جمله‌ی نظریه‌های قابل توجه در تبیین وجه اعجاز قرآن، رأیی است که بدرالدین زرکشی اظهار داشته و می‌گوید: نظر اهل تحقیق آن است که می‌گویند اعجاز قرآن با تمامی وجوه یاد شده واقع شده است نه به تک‌تک آنها، چرا که قرآن، همه‌ی آنها را باهم جمع کرده پس معنا ندارد که با وجود اشتغال بر همه، تنها به یک وجه نسبت داده شود. (شیخ طوسی، ۱۴۰۰).

۲-۳-۱۰- تفسیر علمی، جلوه‌گاه اعجاز علمی قرآن است.

اعتقاد به این که در قرآن کریم، علوم اولین و آخرین نهفته است و تلاش برای یافتن راه‌ها و روش‌های استخراج این دانش‌ها، برخلاف تصور معمول، سابقه‌ای طولانی در میان مفسران و قرآن پژوهان دارد. در توضیح بنیاد این روش گفته شده است که معتقدان به این نوع تفسیر، با توسعه بخشیدن به اصطلاح «علم»، برآنند که قرآن در کنار علوم اعتقادی و عملی دینی، دربردارنده‌ی دیگر دانش‌های دنیا با وجود همه‌ی شاخه‌ها و گونه‌های متفاوت آن نیز هست. (حویزی، ۱۴۱۲)

از پیشینیان، شاید شناخته‌ترین کسی که کوشید در این راه به فهمی روشمند دست یابد و با جدیت تمام، دیگران را به این نوع نگرش فراخوند محمد غزالی (م ۵۰۵ ق) باشد که هم در احیاء علوم الدین (فراهیدی، ۱۴۱۴) و هم در جواهر القرآن (فیومی، ۱۴۰۵) سخت بر این نظر پای فشرده است.

صاحب کتاب فکرة اعجاز القرآن که به معرفی کوتاه آرای دانشمندان علوم قرآنی از قرن دوم تا قرن چهاردهم پرداخته است، در موارد متعددی نظرات کسانی همچون طنطاوی صاحب تفسیر الجواهر را بازگو می‌کند که به تصریح یا اشاره وجه اعجاز قرآن را در رازگشایی از حقایق علمی جهان برشمرده‌اند. (قرشی، قاموس قرآن)

۲-۳-۱۱- فصاحت و علم در همه‌ی آیات قرآنی جاری‌اند.

از جمله معتقدان به این نظر علامه شمس الدین محمد آملی صاحب کتاب نفائس الفنون است. وی سبب اعجاز قرآن را دو عامل می‌شمارد که هر دو در تمامی آیات قرآن جاری و نمودار است. این دو عامل عبارت‌اند از:

الف) فصاحت و بلاغت منحصر به فردی که تمام بلیغان عرب را از همانند آوری عاجز ساخت.

ب) اشتغال بر جمیع معارف و حکم و محاسن شیم (اخلاق) و اقصای اولین و آخرین و اخبار از مغیبات و کیفیت ادای طاعات و امتناع از منهیات و جمیع آنچه در تکمیل نفوس بشری و وصول به سعادت ابدی بدو احتیاج افتد. (مجلسی، ۱۴۰۳)

۲-۳-۱۲- در قرآن هزاران معجزه وجود دارد.

این مسرافه، بنابر آنچه سیوطی در اتقان از وی نقل می‌کند بر آن است که تمامی وجوهی که عالمان در تبیین وجه اعجاز برشمرده‌اند درست است و با این همه به یک دهم از ده یک کل وجوه اعجاز دست نیافته‌اند. (مصباح یزدی، آموزش عقاید) زرقانی نیز به وجود هزاران وجه اعجاز در قرآن تصریح می‌کند و می‌گوید: بسیار اتفاق می‌افتد که یک معجزه تنها در یک آیه مشاهده می‌شود، همچنان که آیه‌ی «مباهله» به تنهایی یک معجزه است. (آموزش فلسفه، ۱۳۶۸)

۲-۳-۱۳- وجوه اعجاز قرآن به موازات پیشرفت اعصار، ظاهر می‌شود.

آنچه این نظر را از نظریه‌ی پیشین متمایز می‌سازد، توجه به عنصر تعیین‌کننده‌ی زمان در ظهور معجزات قرآن است. بنابراین اعتقاد، وجوه اعجاز قرآن، نه تنها بیش از آن است که قابل استقصا و شمارش باشد بلکه قرآن با مردم هر عصر و زمان با زبان خودشان از اعجاز خود سخن می‌گوید و متناسب سطح درک و ظرفیت فهم و خرد و آگاهی آنها، ابعادی از معجزات خود را آشکار می‌سازد. پس می‌توان گفت: قرآن، کتاب همه‌ی دوران‌هاست که همواره به زبان روزگار خود سخن می‌گوید. (مصطفوی، ۱۳۶۸)

۲-۴- موجبات اختلاف در تبیین وجوه اعجاز

سخن در عوامل ایجاد اختلاف میان دانشمندان قرآن پژوه پیرامون توضیح در چگونگی اعجاز قرآن و زوایا و دریچه‌های آن، پیچیده و گسترده است. آن چه به اجمال می‌توان آورد طرح آنها در ساختار سه عنوان کلی ذیل است:

الف - عوامل انسانی و شخصی؛

ب - عوامل علمی و اجتماعی

ج - عوامل قرآنی

۲-۴-۱- عوامل انسانی و شخصی

این عوامل به نوبه‌ی خود به مؤلفه‌های دیگری بخش‌پذیرند:

۱ - دشواری بیان یک احساس درونی: اساساً درک و بیان یک احساس قلبی و جمال بیکران در قالب الفاظ سخت ثقیل و برگردیده‌ی زبان، تحمل‌ناپذیر است.

۲ - تفاوت مراتب درک: گوناگونی دریافت باطنی انسان‌ها از آن حقیقت شکوهمند نیز امکان توضیح واحد را کاهش می‌دهد.

۳ - اختلاف در بیان و تعبیر: اختلاف سلیقه و تفاوت در گزینش معیارها و تعریف‌ها نیز از جمله‌ی موجبات ناهماهنگی در تحلیل و تبیین وجوه اعجاز است (شیخ مفید، النکت الاعتقادیه)

۲-۳-۲- عوامل علمی و اجتماعی

این مقوله نیز خود متشکل از اسباب گوناگونی است:

۱ - بررسی‌های علمی و تخصصی: پیشرفت زمان، طرح پرسش‌های جدید و گسترش عرصه‌ی اندیشه‌ی تخصصی موجب طرح روی کرد تازه و مباحث نوین در زمینه‌ی اعجاز قرآن گردید.

۲ - رشد و گسترش علوم: رشد دانش‌ها موجب اصلاحات تازه یا ساختار بهتر بخشیدن به مباحث و تنظیم مطلوب‌تر مباحث بوده است.

۳ - کشف وجوه تازه در اعجاز قرآن: علاوه بر عوامل یاد شده، باید از طرح عناوین تازه در وجوه اعجاز سخن گفت که بر پیشینیان پوشیده مانده بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴)

۲-۴-۳- عوامل قرآنی

شاید بتوان گفت مهم‌ترین عوامل ایجاد اختلاف میان اذهان بشری در تبیین وجوه اعجاز در خود قرآن کریم نهفته است:

۱- بی‌کرانگی دنیای قرآن؛

۲- تفاوت مراتب ظهور اعجاز در آیات؛

۳- تفاوت دامنه‌ی وجوه اعجاز در شمول بر آیات (خوئی، ۱۳۵۴)

۳- نتیجه

مشاهده شد تمامی شرایط اعجاز در معجزه‌ی جاودان اسلام یعنی قرآن کریم موجود است و از همان صدر نزول، مخالفان و شکاکان را به تحدی دعوت کرده است. درخشش اعجاز قرآن به گونه‌ای است که نه تنها استوانه‌های فصاحت و بلاغت و ارکان ادبیات عرب در صدر اسلام و بلکه در طول تاریخ تا به امروز را خاضع کرده است بلکه برای تمامی مشتاقان راستین درک حقانیت قرآن راه و روش‌های اطمینان بخش و یقین آور تدارک دیده است.

بنابراین به رغم تحیر و سرگشتگی دانشمندان در طول اعصار در تبیین چند و چون اعجاز، همگان اعم از مسلمان و غیرمسلمان در پیشگاه عظمت قرآن سر تسلیم فرود آورده‌اند و هیچ کس را توان و یارای ایستادگی در برابر تحدی آن نبوده است.

نتایج به دست آمده از این نوشتار عبارتند از :

۱- معجزه عبارت است از کار خارق العاده ای که همراه با ادعای نبوت بوده و با اراده خداوند متعال از شخص مدعی نبوت ظاهر می شود.

۲- قرآن کریم به عنوان معجزه جاویدان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، وجوه اعجاز فراوانی دارد؛

۳- یکی از وجوه اعجاز قرآن کریم، اعجاز علمی آن است؛

۴- مقصود از اعجاز علمی قرآن کریم، رازگویی علمی قرآن و نیز اخبارهای غیبی قرآن است که تا آن زمان کسی از آنها خبر نداشته است؛

۵- قرآن کریم به جهت هدایت انسان ها نازل شده است، از این رو نظریه افراطی وجود تمام علوم بشری در قرآن، نادرست است.

۶- از دیگر مسائلی که می توان آن را به عنوان اعجاز علمی قرآن کریم دانست، مسئله جاذبه زمین است که قرن ها پیش از نیوتن از سوی قرآن کریم، مطرح شده است؛

۷- از دیگر آیاتی که می توان آن را به عنوان اعجاز علمی قرآن به شمار آورد، اخبار از پیروزی روم است.

منابع

۱. قرآن کریم؛
۲. نهج البلاغه
۳. (امام) روح الله موسوی خمینی: قرآن کتاب هدایت [فراهم آمده از آثار حضرت امام]، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵ش، ص ۱۶.
۴. : جلال الدین سیوطی: الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۰۱۳؛ نعیم حمصی: فکرة اعجاز القرآن، ص ۸۰.
۵. «لیس العلم بکثرة التعلم إنما هو نور یقذفه الله فی قلب من یرید أن یریدیه.» مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۱۴۰.

۶. ابن فارس، احمد، مقایس اللغه، ج ۴، ص ۲۳۲.
۷. ابن منظور: لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۰۸ ق، ج ۹، ص ۵۷ تا ۶۰.
۸. ابوالحسن شعرانی: راه سعادت، کتابخانه صدوق، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ش.
۹. ابوالحسن شعرانی: رد شبهات اثبات نبوت، کتابخانه صدوق، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۳ ش، ص ۳۰ و ۳۱.
۱۰. ابوبکر باقلانی: اعجاز القرآن، عالم الکتب، بیروت، ص ۳۵ و ۴۳.
۱۱. ابوجعفر محمد بن حسن طوسی: تمهید الأصول فی علم الکلام، چاپ اول، دانشگاه تهران، ص ۳۱۵.
۱۲. ابوحامد محمد غزالی: احیاء علوم الدین، دارالهادی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۴۳۱.
۱۳. آموزش فلسفه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸ ش؛
۱۴. بدرالدین زرکشی: البرهان، ج ۲، ص ۱۰۶.
۱۵. بدرالدین زرکشی: البرهین فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۱۲.
۱۶. بقره (۲)، ۲۵۶.
۱۷. جلال الدین سیوطی: التقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۰۱۱؛ بدرالدین زرکشی: البرهان، ج ۲، ص ۱۰۰؛ علوم القرآن عند المفسرین، دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۲، ص ۴۹۸؛ نعیم حمصی: فکرة اعجاز القرآن، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۰ ق، ص ۱۰۶.
۱۸. خالد عبدالرحمن العک: اصول التفسیر و قواعدہ، دارالنفائس، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق، ص ۳۰۷ و ۳۰۸.
۱۹. خلیل بن احمد فراهیدی: العین، نشر اسوه، تهران، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۱۱۴۳ و ۱۱۴۴.
۲۰. خوئی، سید ابوالقاسم، البیان فی علوم القرآن، ترجمه نجمه هریسی، تهران، نشر مرتضوی، ۱۳۵۴ ش.
۲۱. خوئی، سید ابوالقاسم، البیان، ص ۴۱.
۲۲. راغب اصفهانی: مفردات الفاظ القرآن، دارالقلم، بیروت، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۷۵.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین، المفردات، ج ۲، صلی الله علیه و آله و سلم ۵۵۳.
۲۴. رضائی اصفهانی، محمدعلی، همان، ج ۱، صلی الله علیه و آله و سلم ۳۵ تا ۳۷.
۲۵. رضایی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۱، ص ۳۳.
۲۶. رضایی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۱، ص ۹۴.
۲۷. زرنندی میر مهدی، سید ابوالفضل، تاریخ و علوم قرآن، صلی الله علیه و آله و سلم ۱۹۲ و ۱۹۱.
۲۸. سلطان محمد گنابادی / جنابذی: بیان السعاده فی مقامات العبادہ، مؤسسه اعلمی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۶۵.
۲۹. سید علی کمالی دزفولی: قرآن ثقل اکبر، تهران، ۱۳۶۰ ش، ص ۳۶۸.
۳۰. سید محمد حسین طباطبایی: المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه ی اعلمی، بیروت، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۷۵.
۳۱. سیوطی: الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۰۰۹؛ نعیم حمصی: فکرة اعجاز القرآن، ص ۶۲؛ علوم القرآن عند المفسرین، ج ۲، ص ۴۳۰؛ محمد هادی معرفت: التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۱۹۰-۱۳۵؛ و نیز محمد هادی معرفت: علوم قرآنی، ص ۳۶۴ و ۳۶۵.
۳۲. سیوطی، عبد الرحمن، الانقان فی علوم القرآن، ج ۲، ۲۵۲.
۳۳. شمس الدین محمد بن محمود آملی: نفائس الفنون فی عرائس العیون، اسلامیه، تهران، ۱۳۷۷ ق، ج ۱، ص ۳۵۷ و ۳۵۸.
۳۴. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، تحقیق حسن سعید، تهران، مکتب جامع چهل ستون، ۱۴۰۰ ق.
۳۵. شیخ مفید، النکت الاعتقادیة، بیروت، دارالمفید؛

۳۶. شیخ مفید، النکت الإعتقادیة، صلی الله علیه و آله و سلم ۳۶ و ۳۷، مصباح یزدی، آموزش عقاید، ج ۲، ص ۹۹-۱۰۳ و راه شناسی، ص ۱۲۳ - ۱۳۳، ابوالصلاح حلبی، تقریب المعارف، ص ۱۵۴ و ۱۵۵، شیخ طوسی، الاقتصاد، ص ۱۵۵، محقق حلی، المسلك فی اصول الدین، ص ۱۶۱.
۳۷. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، نشر اسلامی، ۱۳۶۰ ش.
۳۸. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۱، صلی الله علیه و آله و سلم ۹۳.
۳۹. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، الثقافة الاسلامیة، ۱۴۰۸ ق.
۴۰. الطریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، صلی الله علیه و آله و سلم ۱۲۵.
۴۱. عایشه بنت الشاطی: اعجاز بیانی، ترجمه حسین صابری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی تهران، ۱۳۷۶ ش، ص ۶۶ و ۶۷.
۴۲. عبدالقاهر جرجانی: دلائل اعجاز فی القرآن، ترجمه سید محمد رادمثنش، آستان قدس رضوی، چاپ اول، مشهد، ۱۳۶۸ ش، ص ۴۳ و ۴۴؛ نیز در تزیید این نظر بنگرید به: جلال الدین سیوطی: الاتقان فی علوم القرآن، دار ابن کثیر، بیروت، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۱۰۰۵.
۴۳. عبدالکریم خطیب: الاعجاز فی دراسات السابقین، دارالفکر العربی، بیروت، ص ۲۵۶ و نیز علوم القرآن عندالمفسرین، ج ۲، ص ۴۸۸ - ۴۸۹.
۴۴. عبدالله جوادی آملی: حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه، چاپ اول، قم، نشر اسراء، ۱۳۷۶ ش، ص ۹.
۴۵. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، نور الثقلین، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۲ ق.
۴۶. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، نور الثقلین، ج ۲، صلی الله علیه و آله و سلم ۷۴.
۴۷. علامه حلی: کشف المراد در شرح تجرید الاعتقاد، ترجمه و شرح علامه شعرانی، نشر اسلامی، تهران، ۱۳۹۸ ق، ص ۵۰۰ و ۵۰۱.
۴۸. علوم القرآن عند المفسرین، ج ۲، ص ۵۶۷.
۴۹. علوم القرآن عند المفسرین، ج ۲، ص ۴۳۱.
۵۰. فراهیدی، خلیل، العین، ج ۲، ص ۱۲۷۳.
۵۱. فراهیدی، خلیل، العین، قم، اسوه، ۱۴۱۴ ق؛
۵۲. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۵؛
۵۳. الفیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، ج ۱-۲، صلی الله علیه و آله و سلم ۴۲۷.
۵۴. قرشی، سید علی اکبر قاموس قرآن، ج ۴، صلی الله علیه و آله و سلم ۲۹۲.
۵۵. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامی؛
۵۶. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱۲۷۳.
۵۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳؛
۵۸. محمد حسین ذهبی: التفسیر و المفسرون، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا، ج ۲، ص ۴۷۴.
۵۹. محمد عبدالعظیم زرقانی: مناهل العرفان فی علوم القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۳۵۹ - ۳۶۰.
۶۰. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید،
۶۱. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۶۱.
۶۲. مصباح یزدی، آموزش عقاید، ج ۲، ص ۹۹-۱۰۳ و راه شناسی، ص ۱۲۳ - ۱۳۳
۶۳. مصطفوی، حسن، التحقیق، ج ۸، ص ۲۰۶.
۶۴. مصطفوی، حسن، التحقیق، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۸ ش؛

۶۵. مقدادبن عبدالله سیوری: البات الحادی عشر للعامه الحلی مع شرحیه، چاپ اول، دانشگاه تهران، با همکاری دانشگاه مک گیل، ۱۳۶۵ ش، ص ۳۶
۶۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش؛
۶۷. نصیرالدین طوسی: تجرید الاعتقاد (کشف المراد)، ص ۵۰۰.
۶۸. نعیم حمصی: فکرة اعجاز القرآن، ص ۶۱.
۶۹. نعیم حمصی: فکرة اعجاز القرآن، ص ۲۲۳ - ۲۳۲ و موارد متعدد دیگر از همین کتاب.

The Inclusion of I'jaz Aspects in all Verses of the Quran

Seyed Daryush Rahimi

A Faculty Member of PNU, Branch of Ardal

Abstract

This paper tries to have a review of the issues set forth on the Holy Qur'an's I'jaz (inimitability or uniqueness). The author of this article aims to explain the concept of I'jaz of the Quran and some of its instances with reference to the verses of the Holy Quran. The findings show that the I'jaz of the Quran means the scientific explanations of the Qur'an as well as its divine news which had been unknown before the revelation, and no previous holy books had written anything about them. Although all human sciences are not included in the Quran, there are persuasive scientific contents which may be regarded as scientific I'jaz of the Quran, one of which is the gravity which had been proposed many years by the Qur'an before Newton discovered it. This paper has introduced and confirmed the theory that some parts or aspects of the Holy Qur'an's I'jaz including expressive I'jaz are not limited to just a few verses of the Qur'an; rather they are included in all verses of it. The paper consists of two chapters with the following topics: Chapter 1, an introduction to understanding the I'jaz of the Quran, different types of I'jaz, how the Qur'an's argumentation finished on non-Arabs, the scope of the I'jaz of the Quran, and the true aspect of the I'jaz of the Quran; Chapter 2 includes the Qur'an's calling for challenges, the pervasive aspects of I'jaz throughout the Qur'an, those who had claimed to bring similar verses to those of the Qur'an, some aspects related to expressive I'jaz, the Quran and the phenomena of the universe.

Keywords: I'jaz, argumentation, the Qur'an, verses, Holy Books, creation
